



کودتاهای نظامی

رادیو تنها منبع خبری ما در پایان دهه ۱۹۴۰ در «درعا» بود و روزنامه‌ها و مطبوعات اگر هم می‌رسید، با یک روز تأخیر بود. اما رادیو هم در دسترس همه ساکنان «درعا» نبود. [تعداد زیادی در خانه یکی از اهالی که رادیو داشت] جمع می شدیم و سرک می کشیدیم تا در حظ دیدن این دستگاه دهشتناک صد رنشین خانه، شریک شویم که از هبیتی در اندازه شیوخ عسایر بر خوردار شده بود. حرکت پیچ موج رادیو که ما را از موجی به موجی دیگر می برد، می پاییدیم و چشمان سبز سحرانگیزش را که پس از عبور از پارازیتی خشمگین، بر روی موج رادیو «دمشق» می ایستاد. «فلسطین»، همواره جایگاه نخست را در بخش های خبری مختلف داشت. سپس کودتای «حسنی زعیم» روی داد و غوغایش، جهان و رادیوها را در نورددید، و ما هنگام شنیدن بیانیه شماره یک کودتا، به صورت خود آگاه یا ناخود آگاه آن را همچون نوری تابان برای خروج سریع از تونل نکبت [بار اشغال فلسطین]، به فلسطین ربط دادیم. صبح روز ۳۱ مارس ۱۹۴۹ - روز کودتای «زعیم» - مانند هیچ روز قبل از خود نبود. این روز برای سوری‌ها همچون روز انتقام [از اشغال] «فلسطین» آغاز شد، و «محمود عرب»، دوست فلسطینی من؛ همه صفات و موهبت‌های خارق العاده را به «حسنی زعیم» رهبر جدید سوریه نسبت داده و از موضع من پیشی گرفته و می گفت، رهبری «حسنی زعیم» هدیه‌ای الهی و او آزادکننده «فلسطین» و نیروی رهایی بخشی است که فلسطینیان را سالم و در امان، در سریع‌ترین زمان ممکن به کشورشان بازخواهد گرداند. ما در خانه قدیمی مان، خانواده‌ای بزرگ شامل ۹ برادر و خواهر بودیم. برادرم (عبدالمنعم)، ۱۰ سال بزرگتر از من و یک یعنی ناسیونالیست عرب و علی برادر دیگرم، شش سال بزرگتر از من و یک ناسیونالیست سوری و شیفته «آنتون سعادة» [رهبر حزب سوسیال ناسیونالیست سوری، به عربی: حزب السوری القومي الاجتماعي] بود. این دو، شب و روز با هم مشاجره و مجادله می کردند و اگر به من مجال شنیدن مناقشه‌ها و دیدن قدرت نمایی‌های خود را می دادند، بنظم می رسید که هر کدام برهان قوی خود را دارند. اما به یاد می آورم که آنها ظرف چند ماه حکومت «حسنی زعیم» به یک نظر مشترک رسیدند. هر دو از آنچه بر سر فلسطین آمده، سرخورده و امیدوار بودند طبقه حاکم‌های که باعث از دست رفتن فلسطین شده بود تغییر کند. برای تحقق این هدف هر دو، بیانیه اول کودتا [ی زعیم] را با رقایی از امید در میان شب تاریک و بادی همراه در دریای پرموج روزگاری پیداشدند. اما یادها در عمل به سمتی وزین گرفت که مناسب حال کشتی‌های تغییر نبود. «حسنی زعیم» صاحب نشان‌های افتخار طلایی، در دوره کوتاه حیات سیاسی خود اقداماتی کرد، که حکام عرب در طی سال‌ها نمی توانستند انجام دهند. حماقت و جنون غفلت و غرور، او را ظرف چند ماه از در اختیار گرفتن قدرت مطلقه، به سمت تصمیمات سریع و متهورانه‌ای، راهبری کرد [که موجب شکستش شد]. موسساتی وجود نداشت که «زعیم» بتواند از آنها مشورت بگیرد، زیرا همه مؤسسات و نهادهای کشور را بلافاصله [پس از کودتا] منحل اعلام کرده بود و با توجه به دوران کوتاه حکومتش، فرصت ایجاد شوراها و هیأت‌های [اجاپکیزن] را که بتوانند به آنها مراجعه کند، نیز پیدا نکرد. از اتهاماتی که به «زعیم» زده شد، موافقت با قرارداد آتش بس با اسرائیل و اضمای قرار داد «تابلاین» با شرکت «ارامکو» پس از معاف سازی آن از پرداخت حقوق گمرکی در ازای مبلغ مشخصی بود. همچنین «آنتون سعادة» را که به او اعتماد کرده بود به دولت «لبنان» تحویل داد، که در آنجا تحت تعقیب بود، بی آنکه از عواقب این رفتار، آرزپای درستی داشته باشد. رفتاری که برادرم «علی» و دوستانش آن را اوج فرومایگی می دانستند، به ویژه که تحویل وی با دستور مستقیم «زعیم» انجام شده بود.



بازگشت گوایدو به کاراکاس

باپنس که به نمایندگی از امریکا برای حضور در نشست گروه لیما عازم بوگووتا بود، صحبت و تأکید کردم که بازگشت گوایدو به کاراکاس ضرورت دارد. یکی از عوامل کلیدی در موفقیت کنونی مخالفان، وحدت و انسجام آنها بود، در حالی که در گذشته سازماندهی لازم را نداشتند. هر روزی که از حضور گوایدو در خارج از کشور سپری می شد مادر و راه‌های بیشتری برای ایجاد تفرقه بین صفوف مخالفان پیدا می کرد. پنس موافقت کرد و گفت که نشست سه جانبه‌ای با دوکه رئیس جمهوری کلمبیا و گوایدو در حاشیه اجلاس گروه لیما خواهد داشت. از پنس خواستم در این اجلاس برای تحریم حکومت مادورو فشار وارد کند تا به اوشان دهد که باید به‌خاطر جلوگیری از ورود کمک‌های انسان دوستانه هزینه بپردازد. ترامپ نیز در گردهمایی مبهمی گفته بود که ژنرال های ونزوئلا باید تصمیم خود را بگیرند و پنس می توانست بر اساس این نقطه نظر رئیس جمهوری، سیاست امریکا را برای شرکت کنندگان تشریح کند.

من عصر روز یکشنبه ترامپ را در مورد تحولات ونزوئلا توصیه کردم ولی به نظر می رسید که او دغدغه چندان در این باره ندارد، که این موضوع خود باعث شگفتی من شد. او تحت تأثیر تعداد افرادی بود که از ارتش ونزوئلا جدا شده بودند که در طی چند روز تعدادشان به حدود ۵۰ نفر رسیده بود. شک نداشتم که موضوع کره شمالی و اجلاس پیش رو با یکم چوتی او را هانوی ذهن او را کاملاً درگیر خود کرده بود. وقتی این جلسه تمام شد ترامپ گفت: «خب مرد» که همیشه چنین عبارتی نشان می داد که از آنچه که شنیده راضی است. در مسیر پرواز به هانوی، بار دیگر با پنس در مسیر بازگشت او به واشنگتن بعد از سخنرانی قاطعانه در بوگوئا در جمع سران و مقامات کشورهای عضو گروه لیما صحبت کردم. پنس درباره این اجلاس گفت «روحیه‌ای قوی در سالن محل برگزاری اجلاس حاکم بود» که دلگرم کننده بود. گوایدو او را تحت تأثیر قرار داده بود و پنس گفت «او بسیار نابغه و باهوش است و سخنرانی بسیار محکمی در مقابل اعضای گروه لیما داشت». از پنس خواستم این آرزپایی خود را به ترامپ هم منتقل کند. وقتی ما در هانوی بودیم، موضوع ونزوئلا به دست فراموشی سپرده شد اما وقتی اول مارس از وینتام بازگشتم این کشور با هم کانون توجهات قرار گرفت.

گوایدو که اکنون در بین کشورهای امریکای لاتین دور می زد، با جدیت به دنبال بازگشت دوباره به ونزوئلا از طریق زینبی با پرواز مستقیم به کاراکاس بود. این موضوع را به ترامپ اطلاع دادم و او هم روز یکشنبه سوم مارس به من گفت: «او [گوایدو] فاقد مهارت‌های لازم است و حرفه‌ای نیست... کمی از این موضوع فاصله بگیر؛ چندان خود را درگیر آن نکن.» این اظهارات ترامپ مثل این بود که به من بگوید «نادی ایستن نشو» (ما دیگر ایستن شده بودیم و زیاد و کم نداشت). در هر صورت گوایدو روز بعد ابتکار به خرج داد و با وجود خطرات زیاد، صبح همان روز به سمت ونزوئلا پرواز کرد. این کار جراتی را که او در مراحل اولیه فعالیت مخالفان بروز داده بود، دوباره به نمایش گذاشت و خیال مرا بسیار آسوده کرد. تصاویری که در سراسر آن روز به‌صورت زنده در اینترنت منتشر شد، بازگشت گوایدو به کاراکاس را نشان داد که یک پیروزی قلمداد می شد. یکی از ماموران اداره مهاجرت در فرودگاه به او گفته بود: «به کشور خوش آمدی آقای رئیس جمهور!» گوایدو در طول مسیر فرودگاه تا پایتخت سکوتش، از سوی جمعیت مشتاقان مورد استقبال قرار گرفت و نشانه‌ای دال بر تلاش ارتش یا پلیس برای دستگیری او وجود نداشت.

- پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۹
- سال بیست وهفتم
- شماره ۷۵۸۱

شانگهای دلی (چین):

دولت چین امیدوار است طی سه ماه آینده بتواند ۴۰ درصد از جمعیت کشور خود را مقابل ویروس کرونا واکسینه کند. در حال حاضر ۳،۵۶ درصد از جمعیت ۱،۴ میلیارد نفری چین واکسن دریافت کرده‌اند. به گفته مقامات بهداشتی چین این کشور به اندازه کافی واکسن برای مردم این کشور تولید کرده است.



گاردین (بریتانیا):

نیکولا استورجن، بزرگترین حامی استقلال اسکاتلند از بریتانیا، به‌خاطر یک رسوایی در آستانه استعفا از مقام خود به‌عنوان وزیر اول اسکاتلند است. مداری منتشر شده که نشان می دهد او پارلمان اسکاتلند را در مورد اتهامات وارد شده به الکس سالموند که استورجن به جای او به قدرت رسید، گمراه کرده بوده است.



واشنگتن پست (امریکا):

کریستوفر وری، رئیس اف بی آی از گزارش هایی که از طرف اداره تحت نظارتش درباره تهدیدهای داخلی در امریکا منتشر شده بود، دفاع کرد و گفت تهدیدهای راست‌های افراطی در امریکا که حوادث ۶ ژانویه و حمله به ساختمان کنگره را رقم زدند، جدی است و چنین تهدیداتی رو به افزایش است.



«برنز»؛ دیپلماتی در کسوت ریاست سیا

با تأیید «ویلیام برنز» در کمیته اطلاعاتی سنا، تنها پست خالی مانده اطلاعاتی امریکا کامل می شود



۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ سفیر امریکا در روسیه بوده و تحقیقات عمیقی درباره روسیه دارد، می گوید: «همه این موهای سفیدی که می بینید، حاصل خدمات من برای امریکا در روسیه است.» او هرچند مدعی است، روسیه بواسطه تحریم‌ها، قدرت و نفوذ سابق خود را از دست داده است، اما تأکید می کند که روسیه هنوز هم در بخش اطلاعات سایبری می تواند تهدیدی علیه امریکا باشد و از طریق عملیات سایبری به این کشور آسیب بزند. از همین رو تأکید می شود، متوقف شود.» او تأکید کرده است که «اولویت‌هایش در سازمان سیا چهار مسأله مهم هستند: چین،

تدارک امنیتی عراق برای میزبانی از «پاپ»



ترسیم نقشه راه آینده روابط بین مذاهب دارای اهمیت بسیار است. از سویی با توجه به دیدار روز ابعاد جهانی این سفر کشور میزبان فرصتی بی نظیر برای ارتقای اعتبار و مشروعیت خود به دست خواهد آورد تا پیام صلح خود را نیز به جهان برساند. بنابراین می توان این سفر را رخدادی تحول ساز برای عراق درگیر بحران دانست. آنچه مسلم است به نوشته «وال استریت»، پاپ پس از حدود یک سال قرنطینه و محدودیت برای بازگشت به عرصه جهانی نیاز به این سفر دارد و اینکه در راستای تحقق این هدف او پس از سال‌ها تعویق حضور در عراق، تهرانجرات تکفیری‌ها از ۱،۵ میلیون نفر به ۲۵۰ هزار تن در طول سال‌های اخیر رسیده و بسیاری در شهر اربیل مستقر هستند، امیدوارند این سفر بتواند امنیت توجیه به شمار می رود.

موشک‌باران نظامیان امریکایی در عین الاسد

خبرگزاری رسمی عراق از اصابت ۱۰ موشک به پایگاه هوایی «عین الاسد»، محل استقرار نظامیان امریکایی خبر داد. به گزارش ایرنا، این حمله که صبح دیروز اتفاق افتاد در ابتدا توسط کانال خبری «صابرین نیوز» از رسانه‌های مرتبط با گروه‌های مقاومت عراق منتشر شده است. پایگاه خبری «بغداد الیوم» نیز در پی این خبر حمله به پایگاه نظامیان امریکایی در استان الانبار را تأیید کرد. ساعاتی بعد ائتلاف بین المللی تحت امر امریکا نیز با انتشار بیانیه‌ای در جزئیات این حمله پرده برداشت. به گزارش ایسنا به نقل از سومریه نیوز، در این بیانیه آمده است: «حدود ساعت ۲۰ و ۷ دقیقه صبح چهارشنبه ۱۰ راکت پایگاه هوایی عین الاسد را مورد اصابت قرار دادند. عراق مسئولیت تحقیقات این حمله را برعهده دارد.» شبکه اسکای نیوز نیز از مرگ یک پیمانکار غیرنظامی به دلیل سکنه قلبی در پی این حمله خبر داد. گفته می شود تیرهای امنیتی عراق سکوی شلیک این راکت‌ها را که از نوع «گراد» بوده یافته‌اند اما جزئیات بیشتری فاش نشده است.

قتل سه زن خبرنگار افغانستانی در حمله داعش

گروه جهان/ پس از تیراندازی و قتل سه خبرنگار زن ولایت ننگرهار افغانستان، گروه تروریستی داعش مسئولیت این جنایات را برعهده گرفت. به گزارش سایت روزنامه هشت صبح افغانستان، «شهار روفی»، «سعدیه سادات» و «مرسل حمیدی» که از کارمندان بخش دوبله رادیو- تلویزیون افغانستان بودند صبح روز سه شنبه پس از ترک محل کارشان در دو حمله مسلحانه در شهر جلال آباد هدف قرار گرفته و کشته شدند.

به نوشته «وویچه وله» این حملات که در پی قتل‌های سریالی خبرنگاران، فعالان مدنی و مقامات رده میانی دولت رخ داده‌اند در حالی که کارکنان افغانستانی را به وحشت انداخته، بازتاب ملی و بین المللی داشته است و تاکنون کاخ ریاست جمهوری عراق، ریاست شورای عالی مصالحه ملی، نمایندگی‌های سیاسی مقیم کابل، دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد و نهادهای حامی خبرنگاران و رسانه‌هاین حملات را محکوم کرده‌اند.

داعش در حالی ساعاتی پس از این جنایت مسئولیت آن را برعهده گرفت که بر قتل ماه گذشته «ملاله یوئود»، دیگر خبرنگار تلویزیونی شهر جلال آباد نیز اکتفا کرده. به نوشته «هشت صبح»، داعش در حالی به رعب آفرینی در ننگرهار ادامه می دهد که این ایالت شرقی افغانستان یکی از مراکز اصلی فعالیت این گروه تروریستی به شمار می رود که با وجود چندین بار شکست داعشی‌ها توسط دولت همچنان از بخش‌های فعال تروریستی افغانستان به شمار می رود. این در حالی است که رئیس پلیس ولایت ننگرهار با اشاره به دستگیری مظنون اصلی قتل یکی از خبرنگاران افغانستان در سال گذشته به «وویچه وله» گفته است: «مظنون که از اعضای طالبان است به قتل اعتراف کرده و محاکمه او در دست انجام است.» اما طالبان این ادعا را رد کرده و در حالی که همچنان در کش و قوس مذاکرات صلح بین الافغانی به میانجیگری امریکا قرار دارد اتهامات دولت در این باره را نعی پذیرد. براساس آمار سازمان ملل، کشتار دست کم ۶۵ کارمند رسانه‌ای و فعال حقوق بشری از سال ۲۰۱۸ تاکنون در حملات تروریستی افغانستان، در حال حاضر این کشور را به یکی از خطرناک ترین بخش‌های جهان برای امنیت رسانه‌ای جهان بدل کرده است.

یک بام و دو هوای امریکا در یمن

در پی تحریم دوفرماده جنبش انصارالله از سوی وزارت خزانه داری امریکا، سخنگوی این جنبش تأکید کرد امریکانه تنها به دنبال توقف جنگ نیست، بلکه به دنبال فرسایشی کردن آن است. به گزارش ایرنا، «محمد عبدالسلام» سخنگوی انصارالله و رئیس هیأت صنعا در مذاکرات صلح یمن در صفحه توئیتر خود نوشت که امریکا از یک سودم از صلح یمن می زند، از سوی دیگر اقدام به تحریم می کند. اما با این کار در واقع خودش را محکوم می کند و نشان می دهد که به دنبال توقف جنگ یمن و لغو محاصره نیست، بلکه خواستار فرسایشی کردن و تشدید اوضاع بحران انسانی است. در حالی که جو بایدن با ادعای تغییر سیاست خارجی دولت متویش در قبال یمن آغاز به کار کرد، در آخرین ساعات روز سه شنبه، خزانه داری امریکا دو نفر از فرماندهان جنبش انصارالله یمن را در لیست تحریمی خود قرار داد و در بیانیه‌ای اعلام کرد: «منصور السعدی» فرمانده نیروی دریایی و «احمد علی احسن الحمزی» فرمانده نیروی هوایی انصارالله به لیست تحریم‌های امریکا اضافه شدند. اما در بیان علت این اقدام اختلاف نظرهایی وجود دارد. در حالی که اندریا گای مدیر دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری امریکا مدعی شده که افراد تحریم شده در بحران انسانی یمن نقش دارند، وزارت خارجه امریکا در بیانیه‌ای اعلام کرده که این دو فرمانده انصارالله را به دلیل انجام حملات موشکی و پهبادی اخیر به خاک عربستان تحریم کرده است.